

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کانون مطالعات سیاسی افغانستان

۲۸ نومبر ۲۰۱۸

فروکش خیزشهای اعتراضی و صلحخواهی شمال افغانستان و درسهای حاصله از آن

۱

پیش درآمد

افغانستان در آغاز دهه ۱۹۹۰ بر اثر جنگهای فرسایشی تنظیمی، به یک کشور ملوک الطوائفی تبدیل گردیده بود. در سال ۱۹۹۶ طالبان بر اثر توطئه ایالات متحده امریکا، بریتانیا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و پاکستان به قدرت رسانیده شدند. طالبان با امارت خود خوانده اسلامی شان مملکت را به مرکز ترور، وحشت، جنایت و برتری طلبیهای قومی به گودال نیستی سوق دادند.

با رویداد ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱، مخصوصاً بعد از تجاوز عریان امریکا و ناتو، خلاف اصل پذیرفته شده منشور مؤسسه ملل متحد در اکتوبر ۲۰۰۱ بر افغانستان، اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور به شکل روز افزونی دستخوش تغییرات عمیق گردید. گرچه در آغاز، مردم خوشحال از این بودند که گویا طالبان از قدرت کنار زده شده اند؛ اما به زودی معلوم گردید که استعمار و امپریالیزم که خود در ایجاد گروه طالبان نقش تعیین کننده داشتند، با اتکاء به جنگسالاران و ناقضان حقوق بشر و بیروکراتهای مزدور و وابسته در پوشش اسلام سیاسی در پی تطبیق ادامه برنامه های خویشتن شدند.

به همین لحاظ بود که با نصب زورمندان و جنگسالاران و ناقضان حقوق بشر در قدرت، کوشش به عمل آمد تا از رشد و نهادینه شدن جامعه مدنی به شکل واقعی آن جلوگیری شده و آن پروسه را به شکل پروژه مهندسی شده اجازه دهند و از به وجود آمدن یک جنبش اجتماعی و ملی که برای آزادی، دیموکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه کند، جلوگیری نمایند (البته این پروسه مختص به افغانستان نبوده بلکه در تمام جوامعی که امریکا و شرکاء تجاوز کرده اند چنین سیاست شیطانی را عملی کرده اند – مثلاً در عراق، لیبیا، سوریه، مصر و غیره).

در نتیجه کشور ما مورد تاراج و چپاول افراد و طنفروش، وابسته و زورگو قرار گرفت که در نتیجه آن در یک جانب یک اقلیت زانو که میلیونها و میلیاردها دالر ثروت اندوخته اند، به وجود آورده شد، اما در مقابل دهها میلیون شهروند این سرزمین به منجلاب فقر و تنگدستی، اعتیاد و صدها مصیبت دگر گرفتار شدند. چنان که دولت مزدور و دست

نشانه به اصطلاح "وحدت ملی" در جولای ۲۰۱۸ اعلان کرد که با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر به این کشور، بیشتر از ۵۴ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند.

با نصب "غنی" و "عبدالله" در قدرت توسط "جان کیری"، وزیر خارجه همان وقت امریکا و با همکاری برتری طلبان دگر مثل حنیف اتمر، ستانکزی و شرکاء، علاوه بر معضلات بزرگ اجتماعی، قومگرایی، دید ناسیونالیسم کور و انحصار قدرت به دست چند وطنفروش خودفروخته صورت گرفت. گذشته از این جغرافیای جنگ از جنوب به شمال کشور کشانده شد و آشوبهای گسترده تری پدید آمد. ارگ و متعلقات مفتخور و مزدور آن، فاسد ترین اداره سیاسی در قرن بیست و یکم را تمثیل می کنند که به جز غارت و چپاول دارائی های عامه و مزدوری به بیگانه کار دیگری نداشته و تصفیه و استخوان شکنی های قومی را به خاطر حفظ و تمدید قدرت به راه انداخته اند. مجموع این عوامل باعث خشم شدید مردم گردید که در نتیجه آن خیزش های اعتراضی و صلح خواهی و عدالت طلبی در سراسر مملکت، مخصوصاً در شمال کشور و بالخاصه در میمنه آغاز گردید.

۱ - خیزشهای اعتراضی و صلح خواهی توده های مردم

بر اثر سراسری شدن ناامنی و شرایط خفقان آور بی عدالتی، مشقت مزدور و وابسته، سرانجام خشم های سرکوب شده مردم به طغیان آمد، نارضایتیها و فریادهائی که در گلوها و سینه ها حبس مانده بودند، به خیزش و خروش اعتراض آمیز تبدیل شده، در اندک زمانی - سراسر صفحات شمال کشور را درنوردیده و صاعقه های آن در جنوب، مناطق مرکزی، شرق و پایتخت مملکت درخشید. در این رستاخیز مردم که از دوم جولای ۲۰۱۸ شروع گردید، شعارهای صلح طلبی و عدالت خواهی، آزادی، دیموکراسی، حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی، تأمین حقوق شهروندی، انتخابات شفاف و بدون تقلب پارلمانی و شوراهای ولایتی جلب توجه می کرد.

این خیزشهای اعتراضی تا ۲۱ ماه جولای ادامه یافت و بیداری مردم را به نمایش گذاشت، کاخ ستمگران و ارگ نشینان و حامیان امریکائی شان را به لرزه درآورد که ترس آنها را از بیداری و وحدت واقعی مردم افغانستان بیشتر ساخت. چنان که در این خیزشها که از بیکها و ترکمانها اولین جرقه های آن را در شمال روشن کردند، سایر اقوام و ملیتها در کنار این هم میهنان خود قرار گرفته و موجب آن گردید که شعله های این خیزشها که در وحدت ملی گره خورده بود، از کران تا کران مملکت زبانه می کشید. این اعتراضات در شمال کشور طوفانی شد و خشم سایر ملیتها را در جنوب نیز برانگیخت و فریادهای وحدت طلبی و پشتیبانی از این اعتراضات در هر گوشه و کنار مملکت حتی در پایتخت بالا گرفت.

بسیار قابل قدر و تحسین بیکران است که درین اعتراضات شیرزان کشور سهم وسیعی داشتند و در پیشاپیش این خیزشها در حرکت بودند و نقش تاریخی خویش را در یک جامعه به شدت سنتی و قبیله ئی مرد سالار رقم زدند.

همچنین جوانان کشور نه تنها در این رستاخیز با شکوه مردم اشتراک کردند، بلکه در تنظیم و اداره این خیزشها وظایف خطیری را به عهده گرفته و در رهبری آن تقلا نمودند. این خیزشهای با شکوه بار دگر ثابت کرد که در برابر نیروی مردم، هیچ قوتی را یارای ایستادگی نیست و با وجود تفرقه افگنی های مکرر استعمار و مزدوران و دست نشانندگان بی



خاصیتش، شهروندان این سرزمین کهن ثابت ساختند که وحدت و یک پارچگی خود را حفظ می کنند. این همبستگی نه تنها در خیزش شمال، بلکه در جنبش روشنائی و سایر اعتراضات مردم نیز مشاهده گردیده بود.

اعتراضات گسترده زنان در شهر شبرغان و میمنه، ۱۹ و ۲۰ جولای ۲۰۱۸

اما، دردا و دریغا و صدها اسفا - که جیره خواران امپریالیزم به این خیزش صادقانه مردم از عقب خنجر زده و خواستهای اساسی عدالت طلبانه و صلح خواهانه و بحق مردم را به یکی دو خواست بی معنا تقلیل داده و در نتیجه با تبنای جنگسالاران با امپریالیزم به این خیزشهای برانگیخته از زندگی مشقت بار مردم ضربه زدند. ایالات متحده آمریکا و بریتانیا از ترس سقوط دولت "غنی" و "عبدالله" با "عبدالرشید دوستم" در ترکیه داخل تماس شده و او را به تسلیم و معامله گری واداشتند. بر اثر این معامله گری بود که "دوستم" اندکی بعد از سفر "پومپی" وزیر خارجه آمریکا به کابل از تبعید در ترکیه به کابل بازگشت. "دوستم" در اولین سخنرانی خود در کاخ صدارت از معترضان خواست تا به مظاهرات خویش پایان داده، بندر آقینه و حیرتان را باز نمایند و شاهراه های کشور را به روی ترافیک گشوده و از تجمعات دست بکشند. "دوستم" هرگز از حرکت مدنی سمت شمال حمایت نکرد بلکه آن خیزش را سوء تفاهم و غیر عادلانه خواند و تذکر داد که یک عده منفعت جو این خیزشها را برای منافع خود به راه انداختند. در حقیقت آمدن "دوستم" نیرنگ آمریکا و مزدوران شان در ارگ بود که از سراسری شدن جنبش اعتراضی و خیزش مردمی در افغانستان سخت خوف داشتند و دارند. دولت مزدور دست نشانده در هفته سوم خیزش مردمی سمت شمال، توسط مزدوران شان در رسانه ها مکارانه از گرفتاری حامیان تروریستها چون تره خیل و دیگران تلویحاً سخن می گفتند، ولی در عمل چرا آنها را دستگیر نکردند؟

جنرال "دوستم" یک انسان معامله گر و بی خاصیتی است که در جریان ۲۰ روز اعتراض - نه خودش و نه هم پسرش حد اقل برای یک دقیقه به طرفداری از خیزش میلیونی مردم معترض حمایت نکردند و حرفی نگفتند و خاموش بودند. ولی به عکس در همان زمان پسرش رفت و در کنار جنایت سالارانی چون حکمتیار و محقق، قانونی، گیلانی و دیگران نشست و از عقب خنجری بر حرکت مردمی فرود آورد!

آمدن "دوستم" خیانت نا بخشودنی به جنبش اعتراضی سمت شمال است که داشت سراسری می شد و نیروهای متجاوز امریکائی و ناتو را در تنگنایی قرار می داد تا دید شان را در مورد رشد متوازن و عدالت اجتماعی و غیره مناسبات اجتماعی تجدید نظر کنند. در حقیقت جنبش روشنائی طلایه دار حرکت مدنی عدالت خواهی و برابری در افغانستان نوین است که سابقه نداشته و حرکت های مدنی رستاخیز و جنبش عدالت خواهی سمت شمال ادامه آن روند است.

در نتیجه این تسلیم طلبی "دوستم" و تبنای با استعمار، به همه خواستهای مردم پشت پا زده شد، تا جنگسالاری که هر صبح و شام موضع عوض می کند، در کنار "غنی" و "عبدالله" و زیر نظارت ارباب قرار گیرد. مردم بلاکشیده افغانستان بارها ذایقه تلخ این چنین توطئه ها و معامله ها را چشیده اند، چنان که در جنگ ضد تجاوز روسها میلیونها

شهروند این سرزمین در جنگ کبیرمیهنی اشتراک کردند، لاکن ثمره آن به کمک امپریالیزم به دست اسلام سیاسی افتید که با تباری با اجنبیها ، میهن ما را به چنین روزی انداخته اند. به قول مؤرخ شهیر کشور میر غلام محمد غبار "مردم افغانستان بعد از هر غسل خون، همان جامه مندرس قبلی را به تن می کنند".

درینجا باید یادآوری کرد که این خیزشها به شکست مواجه نشده، بلکه عجالتاً فروکش نموده اند. این اخگرهای زیر خاکستر بار دگر شعله ور خواهند شد و این همه خس و خاشاک را خواهند سوخت. در قرن ۲۱ شیوه های کهن استعمار و ارتجاع دگر جوابگوی خواستهای شوم آنها نخواهد بود و سرانجام این ملت هاست که بر سکوی کامیابی می ایستند.

ادامه دارد